

پيشينه منزلت " نوروز " درميان ملل آريائى

(۴)

نوروز يا ميله گل سرخ در مزار شريف :

مولانا جلال الدين محمد بلخي اولين ملائى است كه بهار را بجای نوروز به ستايش گرفته است :

بهار آمد، بهار آمد، بهار خوش عذار آمد	شفا آمد، شفا آمد، شفای هر نزار آمد
بنفشه پیش نیلوفر، درآمد که مبارک باد	که زردی رفت و خشکی رفت و عمر پیاوار آمد

در شهر مزار شريف ، نو روز بگونه خاصى با رنگ و صبغه مذهبی بنام «میلۀ گل سرخ» (يا جشن گل سرخ) برگزار میگردد. امسال (۱۳۸۸ خ) میلۀ گل سرخ در مزار شريف با شأن و شکوت خاصى و ترتیبات امنیتی بیشتر از سالهای پار و پیراربا اشتراک و حضور وزرای خارجه سه کشور افغانستان ، ایران و تاجیکستان برگزار گردید. والی بلخ عظامحمدنور مهمانان وزواررا خیر مقدم گفت ودر مورد تاریخچه جشن نوروز در بلخ وکارکردهایش در مزار شريف مختصر توضیح داد، سپس پیام حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان از سوی عبدالکریم خرم وزیر فرهنگ واطلاعات افغانستان قرائت شد وبعدها مراسم برافراشتن "ژنده، توغ" حضرت علی با ادای کلمات نظامی توسط وزیر امور خارجه داکتر سینتا، برافراشته شد. روضه شاه ولایت مآب وجاده های اطراف آن امسال باگروهها وچلچراغ های رنگین وقطاردار رونق خاص ودلانگیزی یافته بود. متاسفانه تصویری شایسته از مراسم نوروز امسال در سایت های معتبر انترنتی به چشم نخورد تا زیب این مطلب میشود.

دلیل اینکه چرا جشن نو روز را در مزار شريف ، میلۀ گل سرخ میگویند، اینست که با آمدآمد بهاران هر سال صحرا و دشت و دامن کوه های بلخ غرق در گل های سرخ لاله و شقایق وحشی و خودروی میگردد. مراسم میلۀ گل سرخ با انجام آداب زیارت کردن جزئی از مراسم عنعنی- اعتقادی مردم بشمار میرود. به پیشواز نوروز و میلۀ گل سرخ ، مردم خانه ها و حویلی ها، باغچه ها و پارکها، جاده ها وکوچه ها را پاک و تمیز می کنند. و در پاکى پارک های داخل روضه مزار شريف توجه خاص مبذول میشود. زیرا ده روز مانده به نوروز مردم از اطراف و اکناف افغانستان و خراسان و پاکستان و کشورهای آسیای میانه به شهر مزار شريف می آیند ، و نو روز را برای مدت چهل روز از بیستم ماه حوت تا اخیر ماه حمل گرامی میدارند.

در روز اول سال نو ده ها هزار مردم بر گرداگرد مقبره منسوب به حضرت علی بن ابی طالب صف میکشند و در ساعت ۹ صبح والی همراه با رؤسای دواير دولتی ، قضات و افسران عالی رتبه و روحانیون به صحن روضه مزار جمع می شوند و سپس موزیک دولتی برسم احترام نواخته می شود و بعد با قرائت سوره هایی از قرآن و خوانش پیام شخص اول کشور بوسیله والی یا استاندار و دعای خیر وبرکت و فراوانی نعمات «ژنده یا توغ یا علم» حضرت علی برافراشته میشود.

«ژنده، توغ» چوب ضخیم وبلندی است به ارتفاع تخمین هفت یا هشت متر و پوشیده با پارچه های رنگارنگ ابریشمین که در مدت جشن در صحن روضه برپا میباشند. هنگام برافراشتن «ژنده» مردم هجوم میبرند تا برآن دست بکشند ودرصورت ممکن پارچه ای از آن را تیرک گویا برای خودبکنند، زیرا اعتقاد عامه چنین است که هرکه دستش برژنده ویا توغ شاه ولایت مآب برسد، از بلاها و امراض سماوی و زمینی درامان خواهد بود و همه آرزوهایش برآورده میگردد. بنابراین تجمع مردم در مزار و شب زنده داری کردن در روضه مزار برای رسیدن به مراد خویش یعنی دست زدن برژنده و مالیدن آن برچشم و سرو صورت خویشتن است. گاهی برخی از افراد بر اثر فشار مردم زیرپا میشوندو دست وپای شان میکشند.



روضه مزار شريف و ازدحام مردم قبل از برافراشتن ژنده شاه ولايت ماب

بعد از برافراشتن پرچم مذهبی، حاضرین کف میزنند و با خوشحالی به ادای زیارت و روای حاجت خود می پردازند و به همدیگر خود روز نوروز را تبریک میگویند. در این روز همه مردم از زن و مرد و کودک و جوانان و سالمندان لباس نو می پوشند و با سر و صورت تمیز و دلهای مالامال از شادمانی و خوشی به تماشای سرگرمی های دلچسپ از قبیل: بزکشی، قوچ جنگی، بودنه جنگی، مرغ جنگی و تخم مرغ جنگی، کبک جنگی، و شعیده بازی و سادوگری میگذرانند. در جشن گل سرخ مسابقات بزکشی در بیرون شهر مزار شریف در دشت لیلی و دشت آهوان که مملو از گل لاله و گل های خود جوش صحرایی استند، بر گزار می گردد.



تصویری از رسوم بزکشی در نوروز در مزار شریف

در این روز رسم بر این است که مردم به دیدار دوستان و خویشاوندان و بزرگان خود بروند و به یک دیگر نوروز را تبریک بگویند و مقدم نوروز را برای سالی که در پیش روی دارند، میمون و مبارک بخواهند. در روزهای جشن گل سرخ مردم سفره های رنگین از غذاهای متنوع هموار میکنند و از مهمانان با پیشکش شیرینی های متنوع استقبال میکنند. خوراک هفت میوه و سمنک به میمنت این روز زیب دسترخوان میزبانان است. در میله گل سرخ هزاران نفر زوار از شهر های مختلف افغانستان به مزار شریف می آیند و چون مهانخانه های مزار شریف برای پذیرایی مسافران و زوار کفایت نمیکند، بیشتر در منزل دوستان و آشنایان خود میروند و جشن گل سرخ را بادوستان خود یکجا تجلیل میکنند. در مدت چهل شبانه روز میله گل سرخ، در تمام رستورانها و پارک ها موسیقی و ساز و آواز خواننده های معروف کشور به گوش میرسد.

ترانه ملا محمدجان :



یکی از ترانه های شنیدنی نوروز، ترانه ملا محمدجان است که ظاهراً از جانب دختری برای مرد دلخواهش (ملا محمدجان) سروده شده است. وازو میخواهد تا برای رسیدن به مراد خویش به مزار شریف بروند و از سخی شاه مردان کمک بخواهند. اینست آن ترانه:

سیل گل لاله زار وا و دلبرجان	بیباکه بریم بمزار ملا محمد جان
علی شیر خدا را یسار کردم	سرکوه بلند فریاد کردم
دل ناشاد ما را شاد گردان	علی شیر خدا یا شاه مردان
مناجات مرا پیش خدا کن	سخی شیر خدا دردم دوا کن
بهر جا عاشقست دردش داوا کن	چراغ روغنی نذری ته میثم
بگیرم دامن شیر خدا را	نظرگاه گر روم با تو نگارا
	بگیرم تا خدا رحمش بیاید
	نهیم بر چشم خود قفل طلا را

آقای نزهت هروی در مورد ترانه ملا محمدجان روایتی دارد که آنرا مرور میکنیم: "در رابطه به این آهنگ و داستان عاشقانه «عایشه و ملا محمد جان» در کتب مربوط به تاریخ هرات و اخبار و جراید بارها مطالبی نوشته شده و رادیو افغانستان نیز در سالهای دهه پنجاه خورشیدی این داستان و آهنگ های مربوط با آنرا در قالب رادیو درام موزیکال چندین بار نشر نمود، بیجا نخواهد بود تا درین جا به گونه مختصر روای این داستان باشم:

آهنگ ملا محمد جان، آهنگیست فولکلوریک و از قدیمی ترین آهنگ های هرات باستان، سرود عاشقانه و بیان سوزدل دختر عاشقیست که نذر گرفته تا در روز نوروز به مزار شریف رفته، مولای را زیارت نموده و دعا کند تا آرزویش که رسیدن به ملا محمد جان است برآورده گردد.

میگویند در زمان حکمروایی تیموریان در هرات، بویژه در عصر سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۸ - ۱۵۰۵ م) و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی، مردم از سراسر قلمرو تیموریان در روز نوروز به مزار شریف می آمدند و دولت خرج مصارف عروسی جوانانیکه، درین روز در مزار شریف عروسی می کردند می پرداخت. سرود عاشقانه ملا محمد جان بیاتگر این حالست و داستانی دارد به این شرح:

از جمله مدارس متعددی که درین دوران، در هرات تاسیس شده بود، یکی هم مدرسه ای بود، نزدیک محله " سرحدیره " (هدیره، حضیره) در شمال شهر هرات و در جوار زیارت ملا حسین واعظ کاشفی. یکن از طلاب این مدرسه ملا محمد جان نام داشت که همه روزه از محله سرحدیره به چشمه قلمفر (قرنفل) که نزدیک زیارت مولانا عبدالرحمن جامی موقعیت دارد، می آمد و صرف و نحو حفظ میکرد، ساعتی در کنار چشمه می آسود و شکرانه بجای می آورد. روزی از روزها جمعی از دختران سرحدیره که در میان شان عایشه دختر یکی از افسران مقرب دربار نیز موجود بود، غرض تفریح بر سر چشمه آمدند، درین اثنا باد تندی وزیدن گرفت و روسری عایشه را از سرش پرانده و بر شانه ملا محمد جان که در فاصله اندک قرار داشت، انداخت، عایشه عقب روسری اش آمد و با ملا محمد جان چشم به چشم شد و هر دو دلباخته هم گردیدند به قول شاعر:

**اظهار عشق را به سخن احتیاج نیست
چندانکه شد ننگه به ننگه آشنا بس است**

از آن روز به بعد عایشه و ملا محمد جان به کمک و زمینه سازی دوستان و خواهر خواندگان عایشه در کنار چشمه قلمفر، دور از چشم خلق دید و باز دیدهای بعمل می آوردند، چون به قول شاعر بزرگ «واقف لاهوری»: عشق مانند مشک بو دارد، عشق عایشه و ملا محمد جان نیز آهسته آهسته بر سر زبانها افتاد و تا به گوش پدر عایشه نیز رسید. عایشه در خانه زندانی شد و ملا محمد جان و دوستان عایشه از دیدارش محروم گردیدند. دختران سرحدیره ای هر روز بر سر چشمه می آمدند و در فراق عایشه این سرود را می خواندند:

**تا یکی از ما جدا بی عایشه
اینقدر حیران چرایی عایشه
بر سر چشمه نیایی عایشه**

درین جریان ملا محمد جان از عایشه خواستگاری به عمل آورد ولی چون طالب العلم بی بضاعتی بود، پدر عایشه تن به این وصلت نداد.

ملا محمد جان آموزش صرف ونحو را کنار گذاشت وروز به روزاز درد فراق عایشه زار ونا توان تر می گردید. این دو عاشق دلباخته نذر گرفته بودند که اگر به یاری خداوند ازدواج شان صورت پذیرد ، درروز نوروز به زیارت شاه مردان بروند ومدتی را به خاکروبی آن آستان مقدس سپری نمایند. روزی ازروز ها که عایشه بازتوانسته بود ، دور از چشم پدر بادختران دیگر برسر چشمه بیاید ، درجمع آنها با سوز ودرد سرود ملا محمد جانرا می خواند :

بیا که بریم به مزارملا محمد جان
سیل گل لاله زار ملا محمد جان
به دربار سخی جان گیله دارم
یخن خورپاره از دست تودارم
پس از مرگم بیایی بر مزارم
همیشه در دعا در انتظارم
بیباکه بریم به مزارملا محمدجان
سیل گل لاله زار ملامحمدجان

اتفاقاً در همین اثنا امیرعلیشیر نوایی با عده ای از همراهان ، ازینجا می گذشت وصدای خواندن عایشه به گوشش رسید ، توقف نموده و آهنگ را تا اخیر شنید ، با فراست و نکته دانی ای که داشت ، دریافت که در عقب این صدا دردی نهفته است ، خودش نزد عایشه آمد و با ملایمت و مهربانی از او سوال کرد که دخترم راست بگو ملا محمد جان کی است و چرا در آهنگ صدای تو دردی نهفته است ؟ عایشه در ابتدا از حیا پاسخ نداد ، ولی امیر با شیوه پدرا نه به او وعده داد که اگر راستش را بگوید به او کمک مینماید. سپس عایشه داستان عاشقانه خود وملا محمد جان را به امیر حکایت نموده واضافه نمود که ملا محمد جان از جمله طلاب مدرسه شما می باشد .

فردای آنروز امیرشخصاً به خانه پدر عایشه رفت وبه عنوان پدر ملا محمد جان از عایشه خواستگاری نمود ، پدر عایشه که وضع را چنین دید ، به احترام شخص امیر به این وصلت راضی گردید . امیر این دودلباخته را به مزار شریف فرستاد ، در آنجا عروسی نمودند ومدتی به خاکروبی آن آستان چون خادمان مبادرت ورزیدند .

در بعضی از روایت ها آمده که ملا محمد جان ، از شاگردان خاص امیر علی شیر نوایی بوده وبعد از عاشق شدن وی به عایشه ، امیر مشاهده می کند که وضع روانی ملا محمد جان تغییر نموده وهرروز زار ونحیف تر میگردد و دیگر به درس علاقه نمی گیرد ، امیر به شیوه های گوناگون وبه مهربانی ولطف ، علت را جویا می شود وسر انجام ملا محمد جان حقیقت را می گوید وامیر شخصاً به خواستگاری رفته ، وهمانطوریکه در فوق تذکر یافت ، پدر عایشه به ازدواج دخترش به ملا محمد جان راضی میگردد.

آهنگ ملا محمد جان که راوی داستان عشق عایشه وملا محمد جان است ، در شهر هرات ونواحی برسرزبانها افتاد وسینه به سینه ، قرنها منحیث آهنگ فولکلور یک در محافل ومجالس خوانده میشد ومیشود . آستائی (مطلع) آهنگ همان شکل اولیرا دارد ولی انتره ها نظربه ذوق وسلیقه آوازخوانان ازدوبیتی های محلی انتخاب می گردند.

با بوجود آمدن صنعت ثبت (ضبط) صدا اولین بارشاد روان استاد غلام حسین تقریباً نود سال قبل این آهنگ را در بمبئی در یک ریکارد (صفحه) ثبت مینماید ، در یک طرف ریکارد آهنگ ملا محمد جان ودر طرف دیگر آهنگ (نصر و نصر و جان) ثبت گردیده بود . بهمین سلسله این آهنگ را هنرمندان معروفی چون خانم سلما ، خانم مهوش استاد هم آهنگ وعده زیادی از هنر مندان در رادیو وتلوویزیون اجرا نموده ودر محافل ومجالس می خوانند . آهنگ ملا محمد جان در قالب راگ (مقام) بهیروین ساخته شده است . ۳۰ / ۵ / ۲۰۰۷ ها میورگ" (۲۶)

روایتی درباره مزار شریف :

مقبره مزار شریف در ولایت بلخ تنها اثر زنده هنر معماری عهد تیموریان در افغانستان است که در سال ۱۴۸۰ میلادی در عهد سلطان حسین بایقرا اعمار گردیده است . محمدمتقی حکیم در جغرافیای تاریخی شهر های ایران به نقل از روضه الصفا، روایت میکندکه درسا ۸۸۵ هجری مردی بنام شمس الدین محمد که خودش را به شیخ بایزید بسطامی صوفی معروف منتسب می نمود ، از کابل به بلخ رفت وکتابی در اختیار داشت که گویا در زمان سلطان سنجر سلجوقی نوشته شده بود. در این کتاب غیر موثق اشاره شده بود که مزار امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در قریه « خواجه خیران» بلخ بوده باشد . حاکم بلخ به محل قریه خواجه خیران (خواجه حیران؟) رفته ، مقبره و گنبدی محقری دید، امر کرد تا محل را بکاوند ، در نتیجه لوحه سنگی بدست آمد که برآن نوشته شده بود: « اینست مضجع اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام ابن عم رسول الله صلی الله و علیه و آله». چون صحت این روایت از نظر تاریخ مشکوک بود ، موضوع توسط شخص راوی به سلطان حسین بایقرا در هرات گزارش داده شد.(۲۷)

غبار نیز این روایت را در مسیر تاریخ، آورده و علاوه میکندکه: سلطان حسین بایقرا بر اثر ادعای شمس الدین محمد، مدتی بعد از هرات به بلخ رفت ، و از قریه خواجه حیران دیدن کرد، در آنجا گنبدی و قبری با لوحه سنگی دید که در آن لوحه سنگ عبارت: « هذا قبر اسدالله ابن عم رسول الله علی ولی الله» دیده میشد . چون تاریخ صحت چنین ادعای را تصدیق نمیکرد، معهداسلطان حسین امر کرد تا بالای آن قبر عمارت موجود را بساختند و بازاری بر آوردند و حمامی

بنیاد نهادند. سلطان «نهرشاهی» را بر این مزار جدید الاحداث وقف کرد و سید تاج الدین حسن اندخوئی را به نقابت و همان شمس الدین محمد (شیخ زاده بسطامی) را بتولیت مزار معین کرد و کار کنائی هم برای موقوفات آن مقرر نمود. از آن بعد است که قریه خواجه حیران نام «شهر مزار شریف» گرفت و بتدریج آباد تر شد و عوض بلخ قدیم مرکز ولایت گردید. در این ضمن شیخ زاده بسطامی به آنچه میخواست رسید یعنی مقام روحانی حاصل کرد و تمول سرشار از نذر و نذور بدست آورد.» (۲۸)

با توجه به آنچه روضه الصفا روایت کرده و محمدتقی حکیم و مرحوم غبار آن روایت را در مورد ایجاد شهر مزار و رونق آن از برکت نام حضرت علی (ع) نوشته، یک بار دیگر میتوان تأیید کرد که هیچ سند و شواهد تاریخی در دست نیست که ورود خلیفه چهارم را به افغانستان نشان بدهد، تا چه رسد به مرقد آن حضرت در این کشور؟ زیرا به گواهی تاریخ طبری، در سال ۴۰ هجری سه تن از خوارج که از پیگرد سپاه حضرت علی بجان رسیده بودند (یعنی ابن ملجم، برک ابن عبدالله و عمرو بن بکر تمیمی) تصمیم گرفتند که علی، معاویه و عمرو عاص را بقتل برسانند تا راه برای استقرار عدالت و انتخاب آزادجهت تعیین خلیفه تازه فراهم گردد. مامور قتل معاویه او را زخم زد و مجروح ساخت، مامور قتل عمرو عاص نیز بجای او اشتبهاً شخص دیگری را بقتل آورد، اما مامور قتل علی، عبدالرحمن بن ملجم درسرحگاه نوزدهم رمضان، با شمشیر، حضرت علی را مجروح کرد که سرانجام باعث مرگ علی گردید. (۲۹)

بقول علی میرفطروس: قبر علی را از بیم آنکه مبادا خوارج آنرا نبش کرده و جسدش را بیرون آورند، از مردم پنهان کردند و بقولی دوبار قبر علی را از جانی دیگر تغییر دادند. بعضی گویند جسد علی را باشتی به مدینه فرستادند تا درکنار رسول خدا خاک سپرده شود ولی اشتراک راه گم شود نداشتند بجا رفت، برخی گویند آن شتر را قبیله طی گرفته و جسد علی را دفن کردند، ولی علما و مورخان شیعه گویند که حضرت علی را در نجف خاک سپردند. (۳۰) ولی مردم افغانستان و آسیای میانه تا هنوز به این باورند که قبر حضرت علی در شهر مزار شریف هست و سالانه هزاران خانواده از دور و نزدیک از پاکستان و ایران و آسیای میانه برای طلب مراد به این مزار می آیند.

آقای سلیمان راوش در مقاله مفصل خود که درسایت آریائی گذاشته، در مورد عملکرد متولیان روضه مزار شریف متذکر میشود که: در جشن نوروز برخی وقایع معجزه مانند از سوی متولیان روضه مزار به وقوع می پیوندد که بر رونق دکان متولیان روضه سخت موثر است. او میگوید که چند روز قبل از فرارسیدن نوروز، یکی دوفتر از معتمدان متولی روضه، پسر و یا مرد جوانی را کور یا کر و یا شل و انمود میکنند و او را در مدخل ورودی روضه جا میدهند تا در حال گریه و زاری از مردم بخواهد که به حال این جوان به درگاه سخی شاه مردان دعا و استرحام کنند تا بینائی و یا شنوائی و حرکت و برکت را دوباره باز یابد، نماز گزاران در این چند روز هنگام ادای نماز طبعاً با گریه و شیون کور، کر و یا شل آشنا میشوند و یکجا با ملا امام در حق مریض دعای خیر میکنند. (جالب است که هریک از این معبوبین خود را از یک گوشه دور افتاده کشور و انمود میکنند که سالهاست که به این مرضی مصاب شده اند.)

در روز نوروز پس از بیرون آوردن ژنده از حرم روضه ناگاه فریاد برآورده میشود که مریض ما از برکت لطف سخی شاه مردان، شفا یافت. با این فریاد مردم او را نظر کرده شاه ولایت مآب علی کرم الله وجه تصور کرده بسوی شخص به مراد رسیده هجوم می برند و هریک سعی میکنند دستش بر سر و صورت و لباس او برسد تا پارچه ای از لباس او را تیرک گویا بردارند، مگر از طرف افراد محافظ بشدت ممانعت صورت میگیرد و سعی میشود هرچه زودتر از محل دور برده شود، گاهی در این هنگامه کوریا کر تازه شفا یافته در زیر دست و پای مردم می افتد و واقعاً زده و زخمی و حتی کشته میشود. البته محافظین فوراً او را از صحنه بیرون میکشند و تا چند روز هم از چشم مردم پنهان میکنند. بدینسان آوازه دوباره شفایابی مریض در میان زوار و از طریق آنها بشهرها و روستاها می پیچد و هرسال سیلی از مردم بسوی مزار شریف سرازیر میشوند و برای متولی روضه نذر و نذور می پردازند و دکان روحانیت و تولیت مزار، پر رونق تر میگردد و این کار از قرنهایست به همین روال دوام دارد. (۳۱)

اخیراً آقای حمید آدم نظیر همین داستان را از قول یکی از کیسه بران حرفه ئی در سایت افغان-جرمن آن لاین گذاشته که آنه در نوع خو جالب است. برطبق این روایت برخی از کیسه بران ماهر در آستانه نوروز خود را به مزار شریف رسانده و به یکی از کیسه بران وظیفه سپرده میشود تا خود را شل و یا کور و انمود کند و دو سه تای دیگر وظیفه میگیرند تا خود را از اقارب آن کور یا شل و از ولایات دور و انمود کرده در دروازه ورودی مسجد روضه جای بگیرند تا نماز گزاران متوجه آنها بشوند. در روز نوروز پس از آنکه ژنده بالا شد، دفعتاً از سوی کسی که خود را بکوری یا شلی زده فریاد زده میشود که شفا یافته است. با شنیدن صدای مریض به مراد رسیده سیل مردم غرض لمس کردن سرو لباس وی بسوی او سرازیر میشود و چون ازدحام مردم زیاد است، کسی ب فکر جیب خود نمیشود، در این فرصت کیسه بران دست بکار میشوند و ده ها جیب را می زنند و از صحنه بدر میروند.

نوروز در هرات

تعداد صفحات: 5 از 6

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de



پارک تاریخی تخت صفر هرات

مردم هرات، افزون بر روز اول سال (نوروز)، چهارشنبه سوری، چهارشنبه سوری، چهارشنبه اول سال و سیزده نوروز را هم به تفریح می پردازند. خانه تکانی، تهیه لباس نو، پختن کلوچه، تهیه هفت میوه، از سنتهای مردم هرات در نوروز است. افزون بر این، برخی از خانواده های هراتی، از جمله شیعیان این شهر، سفره هفت سین هم می گسترانند.

جشن نوروز در سال ۱۳۸۷ در افغانستان، مصادف با دوازده ربیع الاول هجری قمری بود که در میان مسلمانان سنی مذهب، به "دوازده ختم رسول الله" معروف است. علمای مذهبی هرات، پیش از فرارسیدن نوروز، از طریق رادیو و تلویزیون، از مردم خواستند تا به احترام وفات پیامبر، از برگزاری جشن های نوروزی خودداری کنند.

حتی برخی از علمای تندرو، از این هم فراتر رفته و با استفاده از این فرصت، به تقبیح سنت های نوروزی پرداختند و گرامیداشت سال نو خورشیدی را، سنتی مغایر اسلام خواندند. با وجود این، در روز اول سال نیز، شمار زیادی از خانواده های هراتی، به تفریحگاه ها و پارک ها رفتند و تا پایان روز، به قولی هراتی ها "میله کردند".

جشن نوروز پارسال در هرات، به دلیل نا امنی های اخیر، از جمله افزایش آدم ربایی ها، دزدی های مسلحانه و ترور، کم رنگ تر از سالهای پیش بود، اما با این وجود، شمار زیادی از خانواده های هراتی، در روز سیزده نوروز، به دامان طبیعت رفتند و این روز را که واپسین میله (گلگشت) نوروزی شمرده می شود، با شادمانی سپری کردند. پارک های تخت صفر، ملت، ترقی و ارغوان در داخل شهر هرات و تفریحگاه های شیدائی و میرداوود در خارج شهر، از مناطق تفریحی مورد علاقه هراتی ها، در گلگشت های نوروزی، به ویژه سیزده نوروز است.

مردم هرات، سیزده نوروز (سیزده بدر) را، با حضور در پارک ها و تفریحگاه های داخل و خارج شهر، دشت های سرسبز و دامنه های خوش آب و هوای کوه ها، گرمی میدارند. گلگشت های سیزده نوروز، همانند چهارشنبه سوری، از آن دسته سنت های باستانی است که در بیشتر نقاط افغانستان به فراموشی سپرده شده و فقط در مناطق غربی این کشور، به ویژه هرات گرمی داشته می شود. در افغانستان، البته روز اول سال رخصتی رسمی است، اما در هرات، چهارشنبه اول سال و سیزده نوروز نیز، فعالیت های تجاری و کسب و کار، عملاً تعطیل است و مردم به تفریحگاه ها و دامان طبیعت می روند.

گلگشت چهارشنبه اول سال در هرات، بیشتر مخصوص زنان است. در قدیم، زنان هراتی در روز چهارشنبه اول سال، به "باغ زنانه" که تفریحگاه مخصوص زنان بود، می رفتند. امروزه، از این باغ که در حاشیه غربی شهر و در منطقه تاریخی خیابان هرات واقع بود، اثری باقی نمانده، اما چهارشنبه اول سال، همچنان در میان زنان هراتی، گرمی داشته می شود. برخلاف چهارشنبه اول سال که بیشتر زنانه پنداشته می شود، گلگشت سیزده نوروز، عمومی تر است و مردم هرات در این روز، با خانواده های خود، به گردش و تفریح می روند.

روز سیزده حمل / فروردین، را مردم در دامنه سبز کوه ها و پارک های داخل و خارج شهر هرات، میگذرانند و گروه های زیادی از مردم فارغ از دغدغه کار و مشغولیت های متداول، به شادمانی و پایکوبی می پردازند و سفره چاشت سیزده نوروز را، در دامان طبیعت میگذرانند و صرف میکنند. (۳۲)

باقی دارد